

## فرهنگ و زندگی کوثری و تکاثری (قسمت دوم)

مجله الاسلام، سید محمد رضا علامه‌الدین ■

قرآن پژوه و استاد راهنمای سطوح حوزه علمیه اصفهان

### ■ اشاره:

در قسمت اول این موضوع، واژه تکاثر، ریشه های بروز تکاثر (حس افزون طلبی) و عوارض و ضایعات تکاثر در مسائل

اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی مطرح گردید. اکنون در قسمت دوم این موضوع به نشانه هایی از زندگی تکاثری از جمله

تفاخر (فخر فروشی) پرداخته و آنگاه به بررسی چند گزاره اخلاقی در زندگی و فرهنگ تکاثری می پردازیم.

### ■ چکیده:

زندگی دنیا و همه امکانات آن از مدت عمر آدمی، مواهب و نعمات خدادادی، نیرو و فکر و ابزارها و تعلیمات و تجربه هایی که در اختیار آدمی قرار گرفته است، مزرعه ای است برای آخرت و تجارت گاهی است که در صورت معامله صحیح حداقل سود آن دست یابی به نعیم جاودانه بهشت می باشد. براین اساس

آیات و حیاتی قرآن کریم و تعلیمات قرآنی، مردم را به معرفت یابی هوشیارانه و عاقبت اندیشانه نسبت به دنیا و آنچه در آن است دعوت نموده تا با چنین آگاهی و شناختی زندگی خود را وسیله می فراهم ساختن کمالاتی سازد که از او خواسته شده و به خیر و سعادت جاودانه رهنمود کند که برای او فراهم شده است و از آنچه مایه ی بدبختی و بد عاقبتی و سقوط به اسفل السافلین است دوری گزیده و نجات یابد. قرآن کریم دو نوع فرهنگ و زندگی را پیش روی مخاطبان خود ترسیم نموده است. قرآن کریم، این دو زندگی را در برابر بشریت در پرده هائی زنده چنان مٌصور می سازد که سراسر جان آدمی را تحت تأثیر قرار می دهد و همه ی قلب را مجذوب حقایق آن می سازد. در این مقاله نشانه هائی از زندگی تکاثری همچون لهو و لعب، فخر فروشی به یکدیگر و نازیدن به فزونی اموال و سایر چیز هائی که سبب ساز تفاخر است مطرح گردیده و چند گزاره اخلاقی از زندگی و فرهنگ تکاثری مورد بررسی قرار گرفته است.

۵- پیری و کهنسالی: تکاثر در اموال و اولاد

انما الحیوه الدنیا و تکاثر فی الاموال و الاولاد

### ■ کلید واژه :

اخلاق، تکاثر، تفاخر، زندگی، فرهنگ

### ■ نشانه های زندگی تکاثری :

انسان موجودی فزون طلب، زیاده خواه، حریص بر اموال و فرزندان در دوران پیری می باشد و این امر حکایت از تکاثر طلبی انسان دارد. آیات ۳۲ سوره انعام، ۳۸ و ۶۹ سوره توبه، ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره کهف گرفتاران زندگی تکاثری را اینچنین معرفی نموده اند.

بازی خوردگانی که سرگرم بازی دنیا شده اند

دنیا طلبانی که نعمت زود گذر و ناپایدار دنیا را بر نعمت های پایدار جهان آخرت ترجیح می دهند

ضرر دیدگانی که در عین زیان دیدن به کار هائی می پردازند که سودی برای آنها ندارد.

رسول گرامی اسلام (ص) فریب خوردگان تکاثر طلب دنیا را فاقد عقل و شعور و علم دانسته اند (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۲۲)

و امام علی (ع) تکاثر طلبان تفاخر پیشه را به سوارانی خفته تشبیه نموده که کاروانشان در حرکت است و آنگاه بیدار می شوند که تباه شده اند و همه چیز خود را از دست داده اند (نهج البلاغه، ۱۱۵ (عبده) ۱۶۵/۳)

قرآن کریم یکی از نشانه های بارز زندگی تکاثری را تفاخر می داند (و زینه و تفاخر بینکم) زندگی تجملی و تفاخری که مملو از کبر، اسراف، غرور و نفاق و طغیان گری و حیوان گرایی است، زندگی است که از مسیر حق و عدالت منحرف و از جاده انسانیت و فضیلت به دور و از میانه روی فرا رفته و فناپذیر شده و پژمردگی و تباهی سراسر آن را فرا گرفته است

زندگی تکاثری زندگانی است که آدمی آن را همچون هدفی اصلی در نظر می گیرد یعنی یک زندگی کور و حیوانی که تمامی تلاش های آدمی کسب لذات و تکاثر مالی و مصرف گرایی و تجمل پرستی و زندگی متصف به این صفات است. قرآن کریم چنین زندگی را اینچنین ترسیم نموده است. (اعلموا انما الحیاه الدنیا لعب و لهو و زینه و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد) بدانید که زندگی این جهان بازی و سرگرمی و آرایشی و فخر فروشی به یکدیگر و نازیدن به فزونی اموال و فرزندان است.

انسان در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی دارای روحیه و گرایش متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است.

#### ۱- کودکی: بازی

انما الحیوه الدنیا لعبٌ

۲- نوجوانی: لهو- اشتغال به کارهای سرگرم کننده

انما الحیوه الدنیا و لعب و لهو

۳- جوانی: طالب زینت و خود نمائی

انما الحیوه الدنیا و لعب و لهو و زینه

۴- میان سالی: تفاخر و فخر فروشی به دیگران

انما الحیوه الدنیا ... و تفاخر بینکم

و دلبستگی آن دچار بی‌خردی، کوری دل و سستی دین و سقوط در ظلمات شده و می‌شوند.

#### ■ تفاخر:

تفاخر یکی از نشانه‌های زندگی تکثاری است. تفاخر به معنی مباحات کردن در اموری مانند مال و مقام (راغب اصفهانی، مفردات، ص ۲۷) (واژه فخر) و نیز خود را بزرگ و نامود کردن است. (لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۹۸) واژه فخر (قرآن کریم) زمینه‌های تفاخر را اینچنین بر شمرده است. برخوردار از نعمت و ثروت زیاد بدون ظرفیت‌های روحانی، ایمانی و اخلاقی، جهالت، خود‌پسندی و عجب، دنیا خواهی، ریا کاری، شرک، قدرت زیاد و کثرت فرزند و همراهی شیطان با آدمی که این امور منشأ، زمینه و خیزشگاه تفاخر و فخر فروشی به دیگران است.

#### ■ زمینه‌های تفاخر:

با بررسی ترجمه و تفسیر آیات (حدید ۲۰-۲۳)، (هود-۱۰)، (کهف-۳۵، ۳۴، ۳۷، ۳۹ و ۴۲)، (قصص-۷۶ و ۷۹)، (تکواثر-۱ تا ۵)، (نساء-۳۶ و ۳۸)، (لقمان-۱۸)، (فصلت-۱۵)، (زخرف-۵۱)، (سبا-۳۶ و ۳۸) زمینه‌های ایجاد تفاخر مشخص می‌گردد.

۱- بهرمندی از نعمت: (وَلِئِنْ أَرْسَلْنَا نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسْتَهْمَةٍ... إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ) (هود-۱۰)

۲- بهره‌مندی از ثروت زیاد: (إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى... لَا تَفْرَحُ إِنْ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ...) (قصص-۷۶ و ۷۹)

۳- جهالت ریشه برتر نمائی: (الهاكُمُ التَّكَاثُرُ \* حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ) (تکواثر-۱ تا ۵)

۴- خود‌پسندی و عجب: (إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مَخْتَالًا فَخُورًا) (نساء-۳۶)

۵- دنیا خواهی: (اعلموا أنما الحياة الدنیا لعبٌ و لهوٌ و زینةٌ و تفاخر بینکم) (حدید-۲۰)

۶- ریا: (و الذین نیفقون أموالهم رثاء الناس) (نساء-۳۶ و ۳۸)

۷- شرک: (و اعبدوا الله و لا تشركوا به شیئا...) (نساء-۳۶)

۸- بهره‌مندی از قدرت زیاد: (فأما عاد فاستكبروا فی الارض بغیر الحق) (فصلت-۱۵)

۹- بهره‌مندی از کثرت فرزند: (و قالوا نحن اکثر اموالا و اولادا و ما نحن بمعذبین) (سبا-۳۵)

۱۰- همراهی شیطان با آدمی: (و من یکن الشیطان له قرینا فساء قرینا) (نساء-۲۸)

#### انواع تفاخر:

قرآن کریم در آیات متعدد به ذکر انواع تفاخر پرداخته است. با بررسی ترجمه و تفسیر آیات (هود-۲۷ و ۱۰)، (شعراء-۱۰۵ و ۱۱۱)، (کهف-۳۲ و ۳۴)، (تکواثر-۱ و ۲)، (سباء-۳۵)، (کهف-۳۴)، (فصلت-۱۵)، (قصص-۷۶ و ۷۹)، (مریم-۷۳)، (توبه-۱۹)، (حدید-۲۳)، (مومنون-۱۰۱)، (بقره-۲۰۰)، انواع تفاخر مشخص می‌گردد.

۱- تفاخر به اشرافیت: (فقال الملا الذین کفروا من قومه...) (هود-۲۷)

نیز در آیات متعدد مطرح نموده است. با بررسی ترجمه و تفسیر آیات

( تکاثر-۲و۱)، (نساء-۳۶ و ۳۷)، ( حدید -۲۳و۲۴)، (مریم-۷۳)، (لقمان-۱۸)، (کهف-۳۷، ۳۴، ۴۲ و ۴۳)، (قصص-۷۹، ۷۶ و ۸۱)، (سبا-۳۴ و ۳۵) آثار تفاخر در صحنه زندگی فردی و اجتماعی انسان مشخص می گردد.

۱- اعراض از یاد خدا : ( فِادَا فَضِیْتُمْ مَنَاسِکَکُمْ فَانْکُرُوا اللّٰهَ کَذِبَکُمْ اَبَاءَکُمْ اَوْ اَشْدَّ ذِکْرًا ) ( بقره-۲۰۰)

۲- اعراض از یاد آخرت : ( اَلِهَآکُمُ التَّکَاثُرُ \* حَتّٰی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ) ( تکاثر ۱ و ۲)

۳- تأثیر ناپذیری از قرآن و تلاوت آن : ( و اِذَا تَلٰی عَلَیْهِمْ اٰیٰتِنَا بَیِّنٰتٍ قَالَ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا (مریم-۷۳) ... )

۴- کتمان فضل خدا : ( و یَکْتُمُوْنَ مَا اٰتٰهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ ) ( نساء ۳۶ و ۳۷)

۵- کفران نعمت : ( و یَامُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ وَ یَکْتُمُوْنَ مَا اٰتٰهُمُ اللّٰهُ ) ( نساء-۳۶ و ۳۷)

۶- محرومیت از محبت خدا : ( اِنْ اِنَّهٗ لَا یَحِبُّ مَنْ کَانَ مَخْتَالًا فَخُوْرًا ) ( نساء-۳۶)

۷- ممانعت از پذیرش دعوت انبیاء: ( و ما اَرْسَلْنَا فِی قَرْیَةٍ مِنْ نَّذِیْرِ اِلَّا قَالُ الْمُرْفُوْهُ اِنَّا بِمَا اَرْسَلْتُمْ بِهٖ کٰفِرُوْنَ ) (سبا ۳۴ و ۳۵)

۸- محرومیت از نصرت خدا : ( وَ لَمْ تَکُنْ لَهٗ فِتْنَةٌ یَنْصُرُوْنَهٗ مِنْ اللّٰهِ وَ مَا کَانَ مُنْتَصِرًا ) ( کهف -۴۳)

۹- خروج از ایمان و دخول در کفر : ( و هُوَ یَحٰوِرُهٗ اَکْفَرَتْ بِالذِّیْ خَلَقَکَ مِنْ تَرَابٍ )

۱۰- ممانعت از احسان و انفاق : ( و بِالْوَالِدِیْنَ اِحْسَانًا ... اِنْ اللّٰهُ لَا یَحِبُّ مَنْ کَانَ

۲- تفاخر به ملک و باغ : ( وَ اَضْرِبْ لَهِمْ مَثَلًا رَّجُلَیْنِ جَعَلْنَا لِحَدَثَمَآ جَنَّتَیْنِ مِنْ اَعْنَابٍ ... ) ( کهف-۳۲ و ۳۴)

۳- تفاخر به ثروت : ( وَ نَادٰی فِرْعَوْنُ فِی قَوْمِهٖ قَالْ یٰ قَوْمِ ... ) ( زخرف ۵۱ و ۵۲)

۴- تفاخر به جمعیت : ( اَلِهَآکُمُ التَّکَاثُرُ \* حَتّٰی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ) ( تکاثر ۱ و ۲)

۵- تفاخر به فرزند : ( اِنَا اَکْثَرُ مِنْکَ مَالًا وَ اَعَزُّ نَفْرًا ) ( کهف-۳۴)

۶- تفاخر به قدرت : ( اَمْ اِنَّا خَیْرٌ مِنْ هٰذَا الَّذِیْ هُوَ مَهِیْنٌ وَ لَا یَکَادُ یُبِیْنُ ) ( زخرف ۵۱ و ۵۲)

۷- تفاخر به گنج ها و فلزات ارزشمند : ( وَ اَتَیْنَاهُ مِنَ الْکَنْوِزِ مَا اِنْ مَفَاتِحِهٖ لَتَنُوْا بِالْعَصْبَةِ ) ( قصص-۷۶ و ۷۹)

۸- تفاخر به مردگان : ( اَلِهَآکُمُ التَّکَاثُرُ \* حَتّٰی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ) ( تکاثر-۱ و ۲)

۹- تفاخر به موقعیت اجتماعی : ( قَالَ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا لِلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اِیُّ الْفَرِیْقَیْنِ خَیْرٌ مَّقَامًا ) (مریم-۷۳)

۱۰- تفاخر به نعمت های زود گذر : ( وَ لَا تَفْرَحُوْا بِمَا اٰتٰکُمْ وَ اللّٰهُ لَا یَحِبُّ کُلَّ مَخْتَالًا فَخُوْرًا ) ( حدید -۲۳)

۱۱- تفاخر به نیاکان : ( فِادَا فَضِیْتُمْ مَنَاسِکَکُمْ فَانْکُرُوا اللّٰهَ کَذِبَکُمْ اَبَاءَکُمْ اَوْ اَشْدَّ ذِکْرًا ) ( بقره-۲۰۰)

۱۲- تفاخر به خدمات اجتماعی : ( اَجْعَلْتُمْ سِقَایَةَ الْحَآجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ) ( توبه -۱۹) (مراجعه به تفسیر نور الثقلین

، ج ۱، ص ۱۹۸، روایت امام محمد باقر (ع) )

■ آثار تفاخر :

قرآن کریم آثار شوم و نفرت انگیز تفاخر را

مختالا فخورا) (نساء - ۳۶)

۱۱- نابودی ثروت و گرفتاری به فقر و بدبختی: (اِنَّ قَارُوْنَ كَانَ ... فُحْسَفْنَا بِهِ وَ بَدَارَهُ الْاَرْضُ ) (قصص- ۸۱)

۱۲- گرفتاری در شهوات و هوس های دنیائی: (اعلموا انما الحياه الدنيا لعبٌ و لهوٌ و زينهٌ و تفاخر بينكم (حدید - ۲۰)

۱۳- گرفتاری به ردائل اخلاقی:

الف) بخل ورزی: (الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل) (حدید ۲۴)

ب) تکبر: ( و لا تصعر خدک للناس ) (لقمان - ۱۸)

ج) غرور: ( و لا تمش فی الارض مرحا ان الله لا یحب کل مختالا فخورا ) (لقمان - ۱۸)

یکی از مصادیق زندگی تکاثری اخلاق رذیله متکثران است. زندگی و فرهنگ متکثران و تفاخر کنندگان چنان دستخوش انحراف، پزیردگی و سقوط می گردد که با هرکس روبرو گردند حيله ای در نظر گیرند و با تکبر، فخر فروشی، نفاق، ستمگری و طغیانگری به غصب، سرقت و دزدی و فزون طلبی پرداخته و بر روح خود چهره ای حیوانی ببوشانند.

امام صادق (ع) خصوصیات اخلاقی و رفتاری متکثران مترف را اینچنین ترسیم نموده است: (دنیا همچون پیکره ای است که سر آن تکبر است و چشم آن حرص و گوش آن طمع و زبان آن ریا و دست آن شهوت و پای آن خود پسندی و دل آن غفلت و بود آن نبود و حاصل آن بی حاصلی است. پس هر کس آن را دوست بدارد کبر را از آن به ارث می برد و هرکس آن را بیسندد حرص و آز بهره اش می شود و هر کس آن را بجوید به طمع افتد، و هر کس

ستایشگر آن باشد به ریا گرفتار گردد، و هر کس خواهان آن شود خود پسندی بر جانش چنگ زند و هر کس دل به آن خوش و آرام دارد غفلت

بر او چیرگی یابد و هر کس دلباخته ی متاعش گردد او را همواره مفتون سازد و هر کس (ثروت) آن را گرد آورد و بدان بخل ورزد او را به جایگاه خویش یعنی دوزخ کشاند.

■ بعضی از خصوصیات اخلاقی متکثران:

تکبر: تکبر از ماده کبر و آن حالتی در انسان است که بر اثر خود پسندی، خویش را برتر از دیگران ببیند. (راغب اصفهانی، مفردات، ص ۶۹۷) (واژه کبر) امام علی (ع) مردم را نسبت به این رذیله اخلاقی هشدار داده و فرموده اند: مبدا به شرف و تبار و حسب و نسب و ثروت، خود را برتر از دیگران بدانید و علت فقر و محرومیت محرومان و ضعفا را از خدا بدانید. (سید رضی، نهج البلاغه، صفحات ۷۸۵ و ۷۸۶)

امام صادق (ع) فرموده اند: کسی که در خود نسبت به دیگران برتری ببیند از مستکبران و خود بزرگ نمایان است (کلینی، اصول کافی، جلد ۸، ص ۱۲۸). با بررسی آیات ۲۷ هود، ۳۲ تا ۳۵ کهف، ۱۴۶ اعراف، ۳۸ نساء، ۷۶ و ۷۸ قصص، ۷۵ و ۷۶ صاد زمینه های تکبر مشخص می گردد. قرآن کریم در این آیات و حیانی اشرافیت، بهره مندی از امکانات و نعمات بدون داشتن ظرفیت ایمانی، تکذیب آیات خدا، همراهی با شیطان، علم بدون تهذیب و بدون یاد آخرت، غفلت از آیات و یاد خدا، نژاد پرستی و تعصب جاهلانه را به عنوان زمینه های پیدایش و استمرار تکبر قلمداد نموده است. همچنین خداوند تبارک و تعالی در آیات ۱ و ۲ و ۷۷ تا ۷۵ صاد، ۳۴ و ۳۵ غافر، ۱۴۶ اعراف، ۶۰

( ای کسانی که ایمان آورده اید صدقات خود را با منت نهدان و آزدن باطل نکنید مانند آن کسانی که مالش به ریا برای خود نمائی به مردم انفاق می کند ولی به خدا و روز واپسین ایمان ندارد ) (مثل چنین منافقی مثل سنگ سخت و صافی است که خاکی اندک بر آن نشسته باشد پس باران تند و درشتی به آن برسد و آن سنگ را بدون خاک و گیاه وا گذارد )

صدقه و انفاق او نظیر خاکی است که باران آن را می شوید و ریا کاران منافق یه چیزی از آنچه کسب کرده اند دست نمی یابند .

ستمگری و طغیان گری: متکثران ستمگران ظالمی هستند که یا در حق خود و یا به دیگران ظلم می کنند. قرآن کریم ستمکاری آنها را اینچنین ترسیم نموده است: (و دخل جنته و هو ظالم لنفسه) (کهف آیه ۳۵) و آن مرد توانگر به باغ خود وارد شد و او در حق خود ستم می کرد و (ان الله لا یظلم الناس شیئا و لکن الناس انفسهم یظلمون) (یونس آیه ۴۴)

خصوصیت دیگر متکثران طغیان گری است (کلا ان الانسان لیطغی ان راه استغنی) (علق آیات ۷ و ۸) (ولما من طفی و اثر الحیاه الدنیا فان الجحیم هی الماوی ) (نازعات ۳۷ و ۳۸)

خداوند این ستمگران طغیانگر را غرق در نعمت می کند و آنها را در مرحله استدراج قرار می دهد و آنها با غفلت ورزی، قدر ناشناسی، کفران نعمت و حق نا گذاری ، نعمات خداوندی را تبدیل به نعمت نموده و اسباب سقوط خود را فراهم می نمایند .

شاد خواری (مترفی): از دیگر خصوصیات اخلاقی و رفتاری متکثران شاد خواری مترفی است منظور از شاد خواری مترفی زندگی در ناز و نعمت ( مرفهان بی درد ) است که اموال بدست آورده از راه غضب ، اجحاف و سرقت را

زمر، ۶۲ و ۶۱ اسراء ، ۲۷ هود ، ۱۲ و ۱۳ اعراف و ۷۵ آل عمران به ذکر آثار تکبر پرداخته و آثاری همچون خروج از جنت ، اسراف ، اعراض از آیات خدا ، افتراء به خدا ، انتقام جوئی ، بخل ورزی و ترویج آن ، تحقیر مومنان ، تضییع حقوق مردم ، تمرد ، جدال ، حق ناپذیری ، ختم قلب ، خیانت ، ریا ، گناه و گمراهی را از مهم ترین آثار تکبر و خود پسندی و غرور دانسته است .

انفاق : به معنی دو روئی ، پوشاندن کفر و آشکار کردن ایمان ، کسی را که به نفاق متصف است منافق می گویند . خداوند در قرآن کریم در آیات زیادی به منافقان و نفاق اشاره کرده است . قرآن کریم در سوره بقره آیات ۱۴۲ ، ۱۳۸ ، ۱۴۰ و ۱۴۳ سوره نساء ، ۶۷ توبه ، ۴ ، منافقون ، نشانه های نفاق و منافقون را مشخص نموده است .

قرآن کریم منافقین را افرادی بی شخصیت ، میان تهی و مثل مجسمه های بی روح و وابسته و متوسک های فریبکار که همیشه سر گردان و متغیر و راهنمای باطل و فساد هستند معرفی نموده است . مرض نفاق از جمله امراض متکثران مترف است . در قرآن آمده است : (سیقول لک المخلفون من الاعراب ، شغللتنا اموالنا و اهلونا فاستغفرلنا یقولون یا فواهم مالیس فی قلوبهم ) ( سوره فتح - آیه ۱۱)

(به زودی اعراب متخلف که در جهاد با تو شرکت نداشتند به تو خواهند گفت : محافظت از اموال و خانواده ما را مشغول کرد . پس برای ما آموزش طلب و آنها به زبان هایشان چیزی را می گویند که در دل هایشان نیست (و آن را قبول ندارند )

همچنین در قرآن آمده است: (یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن و الاذی کالذی یففق ماله رثاء الناس و لا یومن بالله و الیوم الاخره فمئله کمثل صفوان علیه تراب فاصابه و ابل فترکه صدقا)

را برای کسب و تحصیل فرهنگ و زندگی کوثری بکار گیریم که نتیجه آن سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت انسان خواهد بود. نتایج کاربردی این بحث بدین ترتیب است:

- ۱- شناخت اخلاق رذیله ناشی از فرهنگ و زندگی تکاثری
- ۲- آسیب شناسی اخلاق رذیله فرهنگ و زندگی تکاثری
- ۳- تهذیب و تزکیه خود از اخلاق رذیله فرهنگ و زندگی تکاثری
- ۴- جایگزینی فرهنگ و زندگی کوثری در اخلاق فردی و خانوادگی و اجتماعی



۱- قرآن کریم  
 ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق  
 ۳- اخوان حکیمی (محمد رضا، محمد، علی) الحیة (ترجمه احمد آرام) انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۴  
 ۴- المروسی الحویزی، علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۲  
 ۵- رابع اصطفائی، مفردات الفاظ القرآن، نشر ذوی القربی، ۱۴۳۶ ق، چاپ پنجم  
 ۶- سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، چاپ چهارم، ۸۴  
 ۷- صدر، سید محمد باقر، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۷۵ ش  
 ۸- طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر العیزان، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، چاپ پنجم، ۱۳۷۶  
 ۹- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، آخوندی، قم، ۱۳۸۷  
 ۱۰- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۲ ق  
 ۱۱- مصباح بزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶  
 ۱۲- هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶

با اسراف و اتراف هزینه نموده و با جاه طلبی تمام به تجمل و ترویج آن می پردازند. از جمله نتایج چنین زندگی مخالفت با انبیاء و صالحان و زیر بار حرف حق نرفتن می باشد.

در قرآن کریم آمده است: ( و ما ارسلنا فی قریه من نذیر الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون و قالوا نحن اکثر امولا و اولاد و ما نحن بمعذبین ) (سوره سبأ آیات ۳۴ و ۳۵)

در هیچ شهری بیم دهنده ای (پیامبری) را به رسالت نفرستادیم مگر اینکه شاد خوران (مترفین و مرفهین بی درد) گفتند ما به این دین که برای ابلاغ آن آمده اید اعتقاد نداریم و گفتند: ما اموال و فرزندان بیشتری داریم و ما عذاب نخواهیم شد.

در ارتباط با نحوه جمع آوری مال و منال توسط شاد خوران مترف احادیث متعددی آمده است که از آن جمله امام صادق (ع) فرمودند: ( انما وضعت الزکاه اختیاراً لا غنیاء و مَعُونَةً لفقراء)

اگر (توانگران و مرفهان) زکاه اموال خود را بدهند هیچ مسلمانی فقیر و نیازمند نخواهد ماند و امام حسن عسگری (ع) فرمودند: (اغنیاء و هم یسرفون زاد الفقراء) یعنی اغنیاء با احتکار، با اجحاف، با گران فروشی و با کم فروشی زاد و توشه فقرا را سرقت می کنند و حقوق آنها را ضایع می نمایند. اصولاً تحصیل اموال حرام نتیجه ای جز گرایش به اخلاق و کردار حرام نخواهد داشت.

■ نتیجه :

با تکیه بر آیات قرآن و روایات معصومین (ع) فرهنگ و زندگی تکاثری و عوارض آن ارائه شده تا با شناخت نشانه های فرهنگ و اخلاق تکاثری از گرایش و پردازش به آن اجتناب نموده و نیرو و فکر و ابزار و تعلیمات و تجربه های خود



پڙو، شڪاه علوم انساني و مطالعات فرينجی  
پرتال جامع علوم انسانی